

این روز مسئله

گاهنامه‌ی سیاسی فرهنگی اجتماعی انجمن اسلامی دانشکده شریعتی

سال چهارم، شماره بیست و یکم، خرداد ماه ۱۴۰۲

ویژه‌نامه حلقه فیلم انجمن اسلامی

صفحه ۱

پیش درآمد

صفحه ۲

منصور

صفحه ۳

روز صفر

صفحه ۴

غریب

صفحه ۵

هناس

صفحه ۶

موقعیت مهدی





گاهنامه‌ی سیاسی فرهنگی اجتماعی انجمن اسلامی دانشکده
شریعتی

سال چهارم، شماره بیست و یکم، خرداد ماه ۱۴۰۲

صاحب‌امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده دکتر شریعتی

مدیرمسئول و سردبیر: بهاره روزبهانی

هیئت تحریریه: بهاره روزبهانی، کوثر سرفرازی

فاطمه منگلیان، شکوفه جم

پیش در آمد

بهاره روزبهانی

با وجود قهرمانان بی‌شمار و صد البته بی‌بدیل در تاریخ کشور عزیزمان ایران، متأسفانه تمرکز کافی بر روی چهره‌سازی و الگو برداری از آنها در جوامع هنری، به ویژه در صنعت سینما، وجود ندارد و موجب می‌شود تا تصورات عمومی درباره این قهرمانان به طور دقیق و فراگیر شکل نگیرد. این مسئله در حالی رخ میدهد که بسیاری از کشورها در بخش ساخت فیلم، تمرکز بیشتری روی چهره‌سازی محبوب‌ترین شخصیت‌های ادبیاتی، تلویزیونی و فیلم‌های کوتاه داشته باشند، اما هنوز چهره‌سازی و پرداخت به شخصیت برجسته این الگوهای حماسی، در عرصه تبیینی ما گسترش کافی نیافته و علی‌رغم ظرفیت بالای این حوزه، بسیاری از افراد در جامعه هنری، هنوز به شکل صحیحی به این مهارت توجه ندارند.

به رغم اینکه در جوامع غربی مفهوم قهرمانی به معنای الگوهای حقیقی و زنده وجود ندارد، باز هم حوزه فیلم‌سازی در غرب، بر ساخت و الگوبرداری از قهرمان‌های خیالی تمرکز کرده است. ساخت پروژه‌های بزرگ فیلم‌سازی برای ایجاد شخصیت‌هایی مانند آواتار، بتمن و اسپایدرمن، نمونه‌هایی از این تمرکز هستند.

به دلیل اهمیت این مسئله ما در حلقه‌ی فیلمی که به همت انجمن اسلامی دانشجویان برگزار شد تلاش کرده‌ایم تا از دریچه‌ی "قهرمانان ملی در آینه سینمای ایران"، به بررسی عمیق‌تر این مقوله بپردازیم. شناسایی ضعف‌ها و قدرت‌های سینمایی کشور و ارائه تعریف بهتری از شخصیت قهرمان در فرهنگ و هویت ملی ایران، میتواند به نگاه عمیق‌تری در حوزه شناخت و تحلیل الگوها منجر شود. در ادامه سری یادداشت‌هایی با عنوان "این سرزمین پر از قهرمان است" منتشر خواهد شد. این سری یادداشت‌ها بر روی تعدادی از فیلم‌های قهرمان محور مطرح سینمای ایران تمرکز می‌کند و تلاشی است ولو اندک در راستای شناخت دقیق‌تر ظرفیت‌های صنعت سینمایی و عرصه‌های هنری و فرهنگی‌ای که لازم است در جامعه هنری بطور دقیق‌تر زیر ذره بین قرار گیرد.





به مناسبت دهه مبارک فجر، انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده دکتر شریعتی برگزار می‌کند:

حلقه فیلم با محوریت نقد و بررسی

«قهرمانان ملی در آینه سینمای ایران»



● آغاز حلقه از ۱۶ بهمن ماه

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر از فرایند حلقه فیلم، به ادمین کانال تلگرام مراجعه نمایید.



منصور

کوثر سرفرازی

سعی می‌کند در برابر مدیران خودباخته و منفعت طلب بایستد، مشکلات نیروی هوایی را حل کند و در اوج جنگ و تحریمات تصمیم به ساخت هواپیمای جنگی بگیرد تا کمبودها را جبران کند؛ وضعیتی که با مناسبات امروز مردم همگونی دارد و سبب تحسین و شور مضاعف در وجود مخاطب می‌شود.

یکی از نواقص فیلم، کم پرداختن به زندگی شخصی شهید بود که مخاطب را با مشکلات و آسایش او آشنا کند و تحمل رنج و سختی این راه را بر دوش خانواده‌اش هم به تصویر بکشد همان چند سکانس هم به گفته خود نویسنده تخیلی بوده است. فی‌الواقع فیلم از لحاظ روایت تاریخی کمی کمرنگ شده و همه سکانس‌هایش مستند نیست ولی دوربین غلط مستند سازی در ساخت بکار رفته است.

لکن هر ایرانی با در نظر نگرفتن برخی از صحنه‌های تخیلی نقد های فنی با تماشای این فیلم می‌تواند جوشش خون در رگ‌هایش را حس کند و با اوج‌گرفتن آذرخش صحنه دراماتیکی برایش رقم بخورد و چشم‌هایش با اشک شوق برق بزند و شاهد بخشی از سختی‌های پشت‌پرده ارتش هوایی باشد.

فیلم منصور در ژانر جنگی و برشی از زندگی سرهنگ ستاری فرمانده نیروی هوایی ارتش است و وقایع آن در بحبوحه‌ی جنگ ۸ساله عراق علیه ایران می‌باشد و توسط سیاوش سرمدی ساخته شده است که پیش از آن بخاطر مستندهایش شناخته می‌شد و به همین دلیل مورد انتقاد قرار گرفته شده است که فیلم مستندنما، بدون فراز و نشیب قابل توجه و به کندی پیش می‌رود، اما بازنمایی متفاوت از زندگی یک قهرمان واقعی برخلاف دریافت نکردن جایزه در جشنواره فجر سبب استقبال مردم شد!

قهرمانی که هدف‌ها و آرمان‌هایی دارد که برایش می‌جنگد و در مقابلش ضد قهرمان‌هایی وجود دارند که برای او مانع تراشی می‌کنند و محبوبیت او دقیقا همانجاست که در مقابل همه اینها می‌ایستد و سعی می‌کند به نیروهایش روحیه خودباوری و عزت‌نفس بیاموزد. تاکید فیلم بیشتر بر نقد بروکراسی موجود در کشور است که شهید در سراسر فیلم

روز صفر

کوشش سرفرازی

همچنین به روایت زندگی قهرمانانی پرداخته شده است که هیچ‌گاه نامی از آن‌ها موجود نیست اما در وقایع خطرناک و حیاتی کشور از جان خود مایه می‌گذارند.

اما یکی از نقدهای موجود به فیلم این است که از الگوهای ماموران انگلیسی و آمریکایی بهره گرفته و نیروی امنیتی ایرانی برخلاف واقع خشک و سرد است و برعکس تفکر موجود در میان سربازان گمنام نشانی از معنویت و مذهبیت در رابطه با نیروها نمی‌بینیم اما بازی جدی و روال امیر جدیدی و همچنین انتخاب ساعد سهیلی علاوه بر نقطه قوت‌هایی مثل نگاه‌های نافذ و بازی دقیق‌اش از نقاط قوت است.

به طور کلی این فیلم به دلیل جذابیت داستانی، ساختار فنی قوی، کارگردانی خوب، بازی حساب شده و صحنه‌های اکشن نفس‌گیری که دارد توانسته بود مخاطب را از ابتدا تا انتهای فیلم با خود همراه کند نهایتاً با احساس رضایت از عملکرد کلی فیلم سالن را ترک کنند.

اما یکی از نقدهای موجود به فیلم این است که از الگوهای ماموران انگلیسی و آمریکایی بهره گرفته و نیروی امنیتی ایرانی برخلاف واقع خشک و سرد است و برعکس تفکر موجود در میان سربازان گمنام نشانی از معنویت و مذهبیت در رابطه با نیروها نمی‌بینیم.

فیلم روز صفر در ژانر معمایی-هیجانی و در فضای جنگی و ماجراجویانه درباره نحوه و چگونگی دستگیری عبدالملک ریگی توسط وزارت اطلاعات ایران می‌باشد و بخش‌هایی از آن در شهر برلین فیلم‌برداری شده است

این فیلم توسط سعید ملکان ساخته شده که این‌بار به سراغ روز صفر که از آخرین تلاش‌های سینمای ایران برای ساخت تریلرهای سیاسی با مایه‌های امنیتی است و اولین فیلمی است که مشخصاً به سراغ نحوه دستگیری ریگی رفته است.



در بخشی از فیلم قسمتی از تشکیلات گروهک تروریستی جنرالده را می‌بینیم که به خوبی به نمایش در آمده و همچنین در نشان دادن فضای پاکستان و انتخاب لباس عملکرد قابل قبولی داشته‌اند که سبب می‌شود فضای فیلم برای مخاطب باور پذیرتر باشد.

غریب

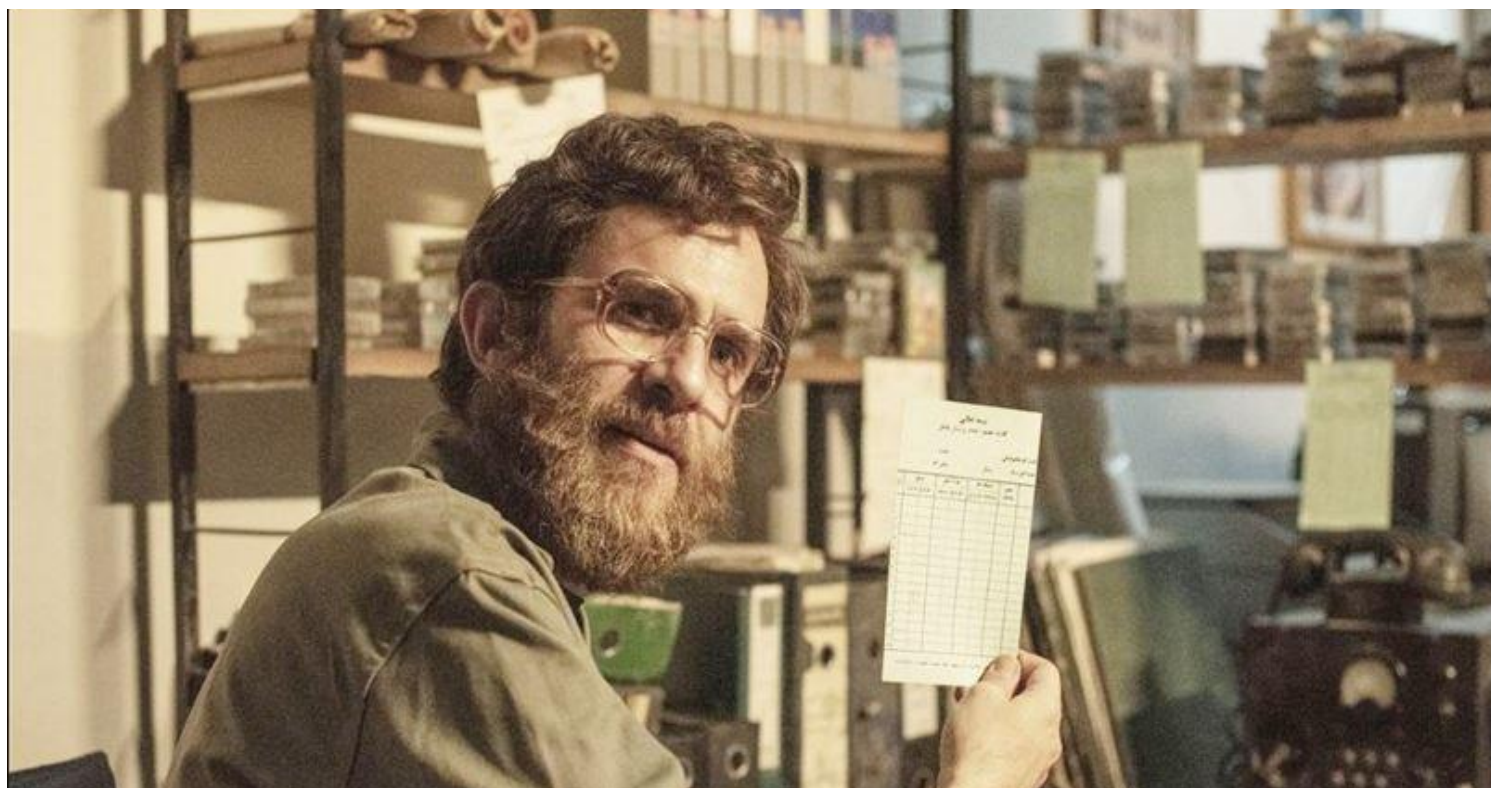
فاطمه منگلیان

با این وجود بنظر می‌رسد کارگردان نتوانسته اقناع مخاطب بر قهرمان سازی را تمام و کمال دنبال کند؛ چرا که پرداختن صرف به ویژگی های مثبت یک فرمانده، آن را الگویی دست نیافتنی معرفی می‌کند و باورپذیری مخاطب را نسبت به شخصیت دچار تزلزل می‌سازد. فرماندهی شهید بروجردی، به عنوان سپاهی چریکی که قائل به تفاوت سپاهی و ارتشی در نظامی‌گری نیست؛ و تنها هدفش ثبات ناآرامی های کردستان است، احساس امنیت‌خاطر و همدلی قوای نظامی را برای مخاطب قوی می‌کند بگونه ای که در سیر روایت‌گونه و سکانس های پی‌درپی خونین و جنایات کوموله، حس وحدت نیروهای نظامی ملی نقطه عطف امنی را برای بیننده ایجاد کرده است.

بی‌شک ویژگی دراماتیک فیلم و تحت الشعاع قرار دادن احساسات، پرداختن هوشمندانه به صحنه‌های تاریخی جنایات خونین کوموله و شعرهای متحجرانه وام گرفته از ایدئولوژی‌های کمونیستی، قباحت آن را برای مخاطب و بویژه نسل جوان ملموس می‌سازد و از حیث افزایش دانش تاریخی در این مقطع قابل توجه است. فیلمنامه در به تصویر کشیدن شخصیت ضدقهرمان نیز موفق و تاثیرگذار بوده است چرا که چالش و دشواری کار شهید بروجردی در تقابل با کسی که به اندازه خودش باهوش است؛ مخاطب را نیز همراه می‌سازد.

فیلم سینمایی غریب به کارگردانی محمدحسین لطیفی و با فیلمنامه حامد عنقا اثر برگزیده جشنواره فیلم فجر سال ۱۴۰۱ بود که روایت داستانی و زندگینامه شهید محمد بروجردی را در برهه حساس و حیاتی حضور وی به عنوان فرمانده سپاه غرب کشور در اقلیم کردستان به تصویر کشیده است. تکنیک فلاش بک در آغاز فیلم، هیجان مخاطب را باعث شده بگونه ای که گره ذهنی و پرسشگری او نسبت به سرنوشت کاراکتر اصلی را تا انتهای فیلم حفظ می‌کند؛ لذا از این نظر شروع تکنیکال و موثری داشته است.

روایت فیلم سعی بر قهرمان سازی دارد چرا که بازیگری بابک حمیدیان در نقش محمد بروجردی و پیروی او از الگوهای ایثار، تدبیر، درایت، شجاعت، مدیریت، اخلاص، ایمان، همدلی، مردم‌داری، آینده‌نگری و صبوری گواهی بر این مطلب است. پرداختن به جملات قصار کوبنده و ارزش‌مدارانه در فیلم نقاط پرننگی را در ذهن مخاطب به یادگار می‌گذارد. جملاتی مانند: "من باید خرج امام بشم نه امام خرج من/ ما نکیر و منکر ملت نیستیم/ وقتی جنگ بالا می‌گیرد حرف مردم شنیده نمی‌شود و ...



در نهایت قهرمان کشور ما در مقابل چشم همسر و فرزندش با ضرب شش گلوله به شهادت می‌رسد.

از جمله روایاتی که جای خالی آنها در فیلم حس می‌شود، روایت زندگی همسر و فرزند شهید است که چگونه بعد از فوت ایشان، همسر شهید دست بر زانوان خود گذاشته و بلند می‌شود و زندگی خود را با آرمان‌هایی که فوت همسرش برایش ساخته است، از نو شروع می‌کند و متوقف نمی‌شود. علاوه بر این عدم توقف دختری را در دامان خود پرورش می‌دهد که مانند خود و همسرش آرمان‌های والایی دارد.

از جمله روایاتی که جای خالی آنها در فیلم حس می‌شود، روایت زندگی همسر و فرزند شهید است که چگونه بعد از فوت ایشان، همسر شهید دست بر زانوان خود گذاشته و بلند می‌شوند.

سینمای ما به وجود فیلم‌هایی که در آن به این قهرمان‌های ملی پرداخته شود نیاز دارد اما جای خالی معرفی دشمن در این گونه فیلم‌ها حس می‌شود. روند فیلم به گونه‌ای است که در آن عده‌ای به دنبال ترور دانشمندان کشورمان از جمله شهید داریوش رضایی نژاد هستند اما مشخص نیست که آنها چه کسانی هستند و چرا فیلم از معرفی اسرائیل، دشمن همیشگی ما سر باز می‌زند.

با وجود تمام نواقص فیلم، نمی‌توان منکر این شد که چقدر این فیلم شهید داریوش رضایی نژاد را برای ما دوست داشتنی کرد و توانستیم با دیدن قسمت کوتاهی از زندگی‌شان به این شهید بزرگوار افتخار کنیم.



هناس

شکوفه جم

فیلم هناس در ژانر درام به کارگردانی حسین دارابی، نویسندگی احسان ثقفی و مهدیه عین‌اللهی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفا است که در سال ۱۴۰۱ به نمایش درآمد. در این فیلم قسمتی از زندگی شهید داریوش رضایی نژاد نمایش داده شده و اتفاقاتی را نشان می‌دهد که پیش از ترور این شهید افتاده است. روایتی از یک دانشمند نخبه‌ی ایرانی که با وجود تهدیدهایی که علیه جان این شخص موجود است اما ایشان برای حفظ امنیت و اقتدار ایران پا پس نمی‌کشد و به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در ابتدا همسر شهید نگران جان ایشان بوده و خواهان استعفای ایشان می‌شود، اما در ادامه با دیدن غیرت همسر خود برای حفظ این خاک دل به اهداف شهید داده و با ایشان همراه می‌شود.



موقعیت مهدی

شکوفه جم

شهادت رسیده‌اند را مانند برادر خود دانسته و حاضر به برگرداندن تنها یک نفر به واسطه‌ی ارتباط خونی با آن شخص، نمی‌شود.

هنگامی که در عملیات بدر نیروهای دشمن به آنها نزدیک شده و شکستشان قطعی می‌شود، از ایشان درخواست می‌شود که نیروهای خود را تنها گذاشته و برای حفظ جان خودشان به عقب بازگردند اما حاضر به این کار نشده و در نهایت با ضرب مستقیم گلوله توسط نیروهای عراقی کشته می‌شوند. گروهی سعی در بازگرداندن پیکر مطهر ایشان داشتند اما هنگام عبور از اروند رود، قایق آنها مورد اصابت موشک آر پی جی قرار گرفته و پیکر تمامی آنها در اروندرود مفقود می‌شود و تا به امروز نیز پیکر مطهر ایشان یافت نشده است.

انتخاب درست هادی حجازی فر با بازی خوب و شباهت زیادش به شهید باکری، تداعی خوب زمان جنگ در فیلم، پرداختن به زندگی خانوادگی شهید و زندگی مشترک ایشان، همه و همه این فیلم را به اثری زیبا برای معرفی یک قهرمان تبدیل کرده‌است که می‌تواند مخاطب را با شخصیت این قهرمان بی نظیر همراه کرده به گونه‌ای که آن را ستایش کند و برایش اشک بریزد.

موقعیت مهدی، فیلمی به کارگردانی هادی حجازی فر است. این فیلم پیرامون زندگی شهید مهدی باکری است که هادی حجازی فر در نقش این شخصیت و برادرش حمید حجازی فر در نقش شهید حمید باکری به ایفای نقش پرداختند. داستان فیلم از ازدواج و تشکیل خانواده‌ی شهید آغاز می‌شود.

ازدواج ایشان با همسری که عاشقانه ایشان را دوست داشته و با وجود سختی زندگی با فرماندهی جنگ و نبود ایشان در اکثر اوقات، پا به این زندگی می‌گذارد و یک روز پس از ازدواج با ایشان راهی جبهه‌های جنگ می‌شود.

شخصیت والای مهدی باکری مثال زدنی است، آن هنگام که در جنگ برادرشان به همراه دیگر رزمندگان به شهادت می‌رسد اما چون توانایی عقب نشینی با پیکر تمامی رزمندگان را نداشتند، تمام کسانی که به